**اجتناب از تفرقه و تمسّک تامّ به اتّحاد**

**حضرت بهاءالله:**

1 – " إيّاكم أن تفرّقكم شئونات النّفس والهوى كونوا كالأصابع في اليد والأركان للبدن كذلك يعظكم قلم الوحي إن أنتم من الموقنين" (كتاب اقدس – بند 58)

 2 – " إنّ الله أحبّ الوصل والوفاق وأبغض الفصل والطّلاق " (كتاب اقدس – بند 70)

3 – " إنّه قد حدّد في البيان برضآء الطّرفين إنّا لمّا أردنا المحبّة والوداد واتّحاد العباد لذا علّقناه بإذن الأبوين بعدهما لئلّا تقع بينهم الضّغينة والبغضآء " (كتاب اقدس – بند 65)

4 - " يا أحبّائي أن اتّحدوا في أمر اللّه علی شأن لا تمرّ بينکم أرياح الإختلاف هذا ما أمرتم به في الألواح وهذا خير لکم إن أنتم تعلمون " (ص ١٠٢ کتاب مبين)

5 - " فو عزّتک يا محبوبي لو تعذّبني في کلّ حين ببلاء جديد لأحبّ عندي بأن يحدث بين أحبّائک ما يکدّر به قلوبهم ويتفرّق به اجتماعهم لأنّک ما بعثتني إلّا لإتّحادهم علی أمرک الّذي لا يقوم معه خلق سمائک وأرضک وإعراضهم عمّا سواک وإقبالهم إلی أفق عزّ کبريائک وتوجّههم إلی شطر رضائک " (ص ٢٢٨ مجموعه الواح حضرت بهاءاللّه)

6 – " قل أن اتّحدوا في كلمتكم واتّفقوا في رأيكم " (لوح الحكمة)

7 - " مقصود از ظهور و ذکر و بيان آنکه نفاق برخيزد و بجايش اتّفاق مقام اخذ نمايد " (ص ١٢٨ فضائل اخلاق)

8 - " اوّل امری که از معرفت حاصل ميشود الفت و اتّفاق عباد است چه که باتّفاق آفاق عالم منوّر و روشن "

(ص ٢٠مجموعه اشراقات)

9 - " اصحاب صفا و وفا بايد با جميع اهل عالم به روح و ريحان معاشرت نمايند چه که معاشرت سبب اتّحاد و اتّفاق بوده و هست و اتّحاد و اتّفاق سبب نظم عالم و حيات امم است " (طراز دوم از طرازات)

10 - " و اينکه در باره اتّحاد سؤال نموديد اتّحاد در رتبه اوّليّه اتّحاد در دين است و اين اتّحاد لازال سبب نصرت امراللّه در قرون و اعصار بوده و اجتماع سيف معنوی الهی است ... و اتّحاد در مقامی اتّحاد در قول است و اين بسيار لازم است مثلا ملاحظه نما اگر دو نفس از اوليای حقّ در ارضی وارد شوند و در امری باختلاف سخن گويند ، سبب اختلاف شود وخود و سائرين از نعمت اتّحاد که از قلم مولی الايجاد نازل شده محروم و ممنوع گردند ... و در مقامی اتّحاد اعمال مقصود است چه که اختلاف آن سبب اختلاف گردد . اين مظلوم ايّامی که از زوراء بادرنه نفی ميشد در بين راه در مسجدی وارد صلاة مختلفه در آن محلّ مشاهده نمود اگر چه کلّ لفظ صلاة بر او صادق ولکن هر يک به اسبابی از هم ممتاز و اگر حزب فرقان فی الحقيقه بآنچه از قلم رحمن نازل شد عمل مينمودند جميع من علی الارض بشرف ايمان فائز ميگشتند اختلاف اعمال سبب اختلاف امر گشت و امر ضعيف شد ... و از جمله اتّحاد مقام است و اوست سبب قيام امر و ارتفاع آن ما بين عباد . برتری و بهتری که بميان آمد عالم خراب شد و ويران مشاهده گشت . نفوسيکه از بحر بيان رحمن آشاميده اند و بافق اعلی ناظرند بايد خود را در يک صقع و يک مقام مشاهده کنند . اگر اين فقره ثابت شود و بحول و قوّة الهی محققّ گردد عالم جنّت ابهی ديده شود بلی انسان عزيز است چه که در کلّ آيه حقّ موجود ولکن خود را اعلم و ارجح و افضل و اتقی و ارفع ديدن خطائيست کبير . طوبی از برای نفوسی که به طراز اين اتّحاد مزينند و من عنداللّه موفّق گشته اند ... اگر قلم اعلی اراده نمايد مراتب اتّحاد را در هر شي و در هر امر بتمامه ذکر فرمايد سالها بايد مشغول گردد . از جمله اتّحاد نفوس و اموال است و باين مقام ختم مينمائيم ذکر اتّحاد را امرا من عندنا وأنا المقتدر المختار ... " (از ص ٣٨٨ تا ٣٩٨ ادعيه حضرت محبوب)

11 - " قلم اعلی در اين حين اوليای خود را طرّا باتّحاد و اتّفاق وصيّت ميفرمايد ليظهر به امراللّه المهيمن القيّوم "

(ص ٤٠٢ ادعيه حضرت محبوب)

12 - " بنام دوست يکتا ای احزاب مختلفه باتّحاد توجّه نمائيد و بنور اتّفاق منوّر گرديد . لوجه اللّه در مقرّی حاضر شويد و آنچه سبب اختلاف است از ميان برداريد تا جميع عالم بانوار نيّر اعظم فائز گردند و در يک مدينه وارد شوند و بر يک سرير جالس . اين مظلوم از اوّل ايّام الی حين مقصودی جز آنچه ذکر شد نداشته و ندارد . شکّی نيست جميع احزاب بافق اعلی متوجّهند و بامر حقّ عامل . نظر بمقتضيات عصر اوامر و احکام مختلف شده ولکن کلّ من عنداللّه بوده و از نزد او نازل شده و بعضی از امور هم از عناد ظاهر گشته . باری بعضد ايقان اصنام اوهام و اختلاف را بشکنيد و باتّحاد واتّفاق تمسّک نمائيد . اينست کلمه عليا که از امّ الکتاب نازل شده . يشهد بذلک لسان العظمة في مقامه الرّفيع . آنجناب و سائر اولياء بايد باصلاح عالم و رفع اختلاف امم تمسّک نمائيد و جهد بليغ مبذول داريد . إنّه هو المؤيّد الحکيم وهو المشفق الکريم "

(ص ٨-٤٠٧ ادعيه حضرت محبوب)

13 - " ای دوستان حقّ مقصود از حمل اين رزايای متواتره و بلايای متتابعه آنکه نفوس موقنه باللّه با کمال اتّحاد با يکديگر سلوک نمايند بشأنی که اختلاف و اثنينيّت و غيريّت از ما بين محو شود ... " (ص ٣٠-٢٢٩ مجموعه الواح حضرت بهاءاللّه)

14 - " اميدواريم که در کمال الفت و محبّت و دوستی با يکديگر رفتار نمائيد بشأنی که از اتّحاد شما علم توحيد مرتفع شود و رايت شرک منهدم گردد " (ص ٣-٢٤٢ ج امر و خلق)

15 - " در کمال اتّحاد حرکت نمايند چنانچه خلافی ما بين احدی ملحوظ نشود . در خير و شرّ و نفع و ضرر و شدّت و رخاء جميع شريک باشند " (ص ١٥٤ دريای دانش)



**حضرت عبدالبهاء:**

1 - " امروز اهمّ امور اتّحاد و اتّفاق احبّای الهی است که با يکديگر يک دل و يک جان شوند تا توانند مقاومت خصومت اهل عالم کنند و تعصبّات جاهليّه ملل و مذاهب را ازاله نمايند . هر فردی از افراد بشر را تفهيم نمايند که کلّ بار يکداريد و برگ يک شاخسار ولی تا نفس احبّا اتّحاد و اتّفاق کلّی نيابند چگونه توانند که احزاب سائره را باتّحاد و اتّفاق بخوانند

جان نا يافته از هستی بخش کيّ تواند که شود هستی بخش

(ص ٨-٢٧ ج ٥ مائده آسمانی ط ١٢٩ بديع)

2 - " ای ياران الهی تا توانيد بر اتّحاد و اتّفاق با يکديگر کوشيد زيرا کلّ قطرات يک بحريد و اوراق يک شجر و لئالی يک صدف و گل و رياحين يک رياض ، پس از آن در تأليف قلوب سائر اديان بيکديگر جانفشانی نمائيد و با هر فردی از افراد انسانی نهايت مهربانی کنيد . نفسی را بيگانه نخوانيد وشخصی را بدخواه مشمريد . چنان رفتار نمائيد که جميع خلق خويش و پيوندند و آشنا و ارجمند . چنان سلوک نمائيد که اينجهان فانی نورانی گردد و اين گلخن ظلمانی گلشن رحمانی شود . اين است وصيّت عبدالبهاء . اين است نصيحت اين عبد بينوا و عليکم البهاء الابهی ع ع " (ص ٣٠ ج ٥ مائده آسمانی ط ١٢٩)

3 - " اليوم خدمتی اعظم از اتّحاد واتّفاق احبّا نيست " (ص ٣٩١ ج ١ مکاتيب حضرت عبدالبهاء)

4 - بايد هر يک از ياران بدل و جان سعی بليغ فرمليد که ادنی غباری بر آئينه وحدت اصليّه ننشيند و روز بروز محبّت و الفت و مؤانست و معاشرت و ملاطفت در بين احباب تزايد يابد " (ص ٢٤٧ ج ٣ امر و خلق)

5 - " اگر وحدت حال و يگانگی بی ملال در ميان نيايد آن جمع پريشان گردد و آن انجمن بيسر و سامان "

(ص ٥٠٦ ج ٣ مکاتيب)

6 - " قسم بجمال قدم روحی لاحبّاء المتّحدين فدا که فرح و سروری از برای عبدالبهاء جز بشارات اتّحاد و اتّفاق احبّا نه زيرا اسّ اساس امراللّه وحدت و يگانگی محبّت است " (ص ٢٠٠ ج ٢ مکاتيب)

7 - " ای احبّای الهی اگر سرور و حبور و آسايش جان و راحت وجدان عبدالبهاء را خواهيد بر اتّحاد و اتّفاق بيفزائيد و جميع امواج يک بحر گرديد و قطرات يک نهر . گلهای يک گلشن گرديد و حلقه های يک جوشن در يک هوا پرواز نمائيد و به يک نغمه و آواز ترنّم ساز اين سبب سرور ابديست و راحت قلب و جان سرمدی " (ص ٣٩١ ج ١ مکاتيب)

8 - آنچه اعظم امور است آن اتّحاد و اتّفاق جمهور احبّا و ائتلاف تامّ در ميان ياران . اين اهمّ امور است اگر نفسی ملول گردد اهمّيّت بدهيد بهر وسيله باشد او را گرم کنيد و در دائره و حلقه خويش در آريد "

(ص ٣٤٠ ج ٣ مکاتيب حضرت عبدالبهاء)



**حضرت ولی امر الله:**

1 - " اتّحاد و يگانگی ياران اسّ اساس است و وسيله نجاح و ترقّيات کلّيّه در دو جهان "

(ص ٤٧ ج ٣ توقيعات مبارکه ٤٨-١٩٢٢)

2 - " اعظم وسيله نجاح و فلاح در مهامّ امور و حصول و وصول بمقصد و مرام در جلائل اعمال بالاخصّ در خدمات مفروضه امريّه اتّحاد است " (ص ٧٣ ج ٣ توقيعات مبارکه ٤٨-١٩٢٢)

3 - " هر جا وحدت و يگانگی نباشد روح حقيقی بهائی وجود ندارد " (ص ٧ نمونه حيات بهائی - ترجمه مصوّب)

4 - " تا اتّحاد و اتّفاق کامل در بين احبّا جلوه ننمايد ومحکم و ثابت نگردد امر عزيز الهی در حالت توقّف باقی و از فتح و ظفر ممنوع و محروم " (ص ١١ منتخبات توقيعات مبارک)

5 - " آنچه ياران الهی در هر جا بآن احتياج دارند عشق و علاقه بيشتر نسبت بيکديگر است "

(ص ٣١ نمونه حيات بهائی - ترجمه مصوّب)

****